

تغییر فاز حزب‌الله در استراتژی رزم



رضا رئیس

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

آن هنگامی که خبری از تغییر گلوله و صوت مهیب بمب و لجستیک و تسلیحات مدرن در جنگ‌های کلاسیک نبود و روبرویی نرفته‌نفر تعیین کننده طرف غالب مبارزه بودند، دو چیز نشانه تفوق و برتری در میدان مبارزه بود: تلفات انسانی و اشغال سرزمینی. حال اما عده و عده چندان به کار نمی‌آید و این برتری تسلیحاتی و البته استراتژی‌های نوین عملیاتی است که نقش تعیین کننده در برتری و موازنه قوا یافته و البته پیوسته‌های رسانه‌ای، جنگ تبلیغاتی و در پیماند آن استنباط عمومی از فاتح و مغلوب بسیار حائز اهمیت و تعیین کننده است. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا در تمامی نبردهایی که مستقیم و غیرمستقیم در آن نقش آفرینی کرده و یا حتی در رقابت تسلیحاتی دوران جنگ سرد با بلوک شرق، یک معادله را به عنوان برتری و تفوق خود در نبردها روی میز گذاشته است؛ مصون مانی و اهمیت استراتژیک «نیروی انسانی».

آنان اگر مزیت اشغالگری سرزمینی را در منازعات مدرن و پسا جنگ جهانی دوم در چنته و برای ابراز وجود و برتری نداشتند، همواره خود را به واسطه تلفات انسانی طرف مقابل و فقدان کشته‌دهی در اردوگاه خودی، ظفر مند و پیروز قلمداد می‌کردند و حتی در نبرد افغانستان و عراق هم به رغم تصرف این کشورها، با توجه به تلفات انسانی بالا در نهایت مجبور به عقب‌نشینی و به نوعی قبول باخت جنگی شدند. اسرائیل هم که به نوعی مولود و شاگرد ایالات متحده است و حتی برخی آن را یکی از ایالات آمریکا در قلب خاورمیانه قلمداد می‌کنند؛ در همه جنگ‌های خود در طول ۷۶ سال اشغالگری از این معادله‌سازی برون نرفته و همواره سعی کرده که با کمترین تلفات ممکن از دایره منازعه خارج و اگر متحمل تلفات گسترده همانند عملیات هفتم اکتبر شده است، با توجش بی‌سابقه و موج مخوفی از به کارگیری تسلیحات متعارف و نامتعارف با حمله به هر هدف ممکن و در دسترسی با وارد آوردن تلفات انسانی فراوان و گسترده این نکته را خاطر نشان می‌کند که به هر طریق ممکن و بدون هیچ حد و مرزی با کشتار و تلفات انسانی در اردوگاه دشمن، دست بالا را در جنگ و نبرد فرسایشی دارد. این موضوع برای اسرائیل تا آن حد حائز اهمیت است که تمامی کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین جنگ متعارف در پسا جنگ جهانی دوم و نقش سازمان‌های بین‌المللی چون سازمان ملل متحد را به هیچ گرفته و حتی دغدغه مظلوم‌نمایی همیشگی برای رخنه در افکار عمومی را هم خط‌بطلان کشیده است. صهیونیست‌ها می‌دانند که با این قساوت و جنایات بی‌سابقه حتی در صورت برتری نظامی در جنگ رخ داده، دیگر

نمی‌توانند به آن صحنه‌آرایی پیش‌اعمالیات هفتم اکتبر بازگردند؛ اما برایشان مهمتر از هر چیزی احساس و تلقین برتری در جنگ اخیر به واسطه همان معادله برتری نفراتی و کمبود تلفات انسانی و تابوی ارتش ظفر مند است. نمونه آنکه در پسا عملیات «عده صادق ۲» که به ادعای همگان، ایران توانست اهداف نظامی خود را محقق و یک ضربه سهمگین به افسانه برتری دفاعی اسرائیل وارد سازد، بوقچی‌های صهیونیست در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی خود با کنایه و طعنه می‌نوشتند که آمار تلفات این حمله با ۲۰۰ موشک صفر نقر بوده، پس عملیات فوق‌الذکر به شکست انجامیده است!

اسرائیل که نتوانسته حماس را نابود سازد، آسرا را آزاد کند و در شمال سرزمین‌های اشغالی بازگشت آوارگان را رقم بزند و وارد یک جنگ فرسایشی شده و از مهمترین رقیب خود یعنی ایران هم دو ضربه مهلک دریافت کرده است، همه پروپاگاندای خود را روی نکته فقدان تلفات چشمگیر در نیروی انسانی و نظامی و مصون ماندن شهروندان خود در منازعه متمرکز ساخته است. نکته‌ای که گویا از چشم استراتژیست‌های حزب‌الله لبنان نیز دور نمانده و آنان طی یک هفته اخیر راهبرد جنگی خود را دچار تغییر و بازنگری و دگرگونی کرده‌اند. در ابتدای هفته گذشته برای اولین بار حزب‌الله لبنان اهداف غیرنظامی را در عمق سرزمینی دشمن در حیفا مورد هدف قرار داد تا به دشمن گوشزد کند که این صحنه‌آرایی و ادعاهای پیرامونی نه از سر مزیت دفاعی رژیم که از عدم تمایل حزب‌الله و جبهه مقاومت به خروج از دایره جنگ متعارف است و آنان نمی‌بایست بز برتری و تفوق تسلیحات دفاعی و پدافندی خود را داده و ادعای گراف داشته باشند. البته که سانسور شدید رژیم هم همانند عملیات «عده صادق ۲»، اعمال شد تا از تبعات و بار روانی کار بکاهد. اینجا بود که حزب‌الله در فاز تازه حملات خود این بار مقر تیپ ویژه گولانی در حدفاصل تل‌آویو حیفا را با پهباد مورد حمله قرار داد؛ یورش که خود رسانه‌های عبری از آن با عنوان بزرگترین حمله با تلفات انسانی از آغاز جنگ خبر دادند و امکان سانسور و کوچک‌نمایی آن وجود نداشت و در نهایت با شایعه هلاکت رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل در این حمله، آنان مجبور شدند بر خلاف پروتکل‌های همیشگی، در فردای روز عملیات سپهبد هرزی هالوی را مقابل دوربین در محل حادثه بیاورند تا کشته شدن او را تکذیب کنند و البته به نوعی مهر تایید بر حمله موثر و کوبنده و بی‌سابقه حزب‌الله زدند. به هر تقدیر، حزب‌الله نشان داد که قرار نیست، رژیم اسرائیل با مانور تبلیغاتی و رسانه‌ای مدعی ضربه وارد آوردن تلفات انسانی گسترده به شهروندان معمولی تا نظامیان جبهه مقاومت باشد و مثل همیشه با ادعای فقدان تلفات انسانی معدود و محدود، فیکور فاتح بی‌چون و چرا بگیرد و اگر قرار بر افزایش تنش و مخاصمه باشد، هم در میدان عملیاتی و هم در فرادست میدان و عمق استراتژیک توانایی بر هم زدن معادلات را دارد؛ چیزی که در روزهای آن نبرد می‌تواند در مهار رژیم صهیونیستی در افزایش تنش نقش موثر و کلیدی داشته باشد.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

بازگشت سردار

موج شایعات با حضور اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه در مراسم تشییع شهید نیلفروشان فرو خفت



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

بیروت رفته از آن زمان ارتباط تهران با او قطع شده است. دو خبر نادرست درباره سردار قآنی به صورت تقریباً موازی منتشر شد. یکی از آن‌ها، ادعایی درباره بازداشت و بازجویی از او بود. این شایعه از آن جهت مورد استقبال قرار گرفت که فرمانده نیروی قدس سپاه، پس از حضور در دفتر تهران حزب‌الله در ۸ مهر -دوروز پس از ترور سیدحسن نصرالله- دیگر دیده نشده بود. قآنی در نماز جمعه ۱۳ مهر در مصالای تهران که به امامت مقام رهبری برگزار شد نیز حضور نداشت و این غیبت هر دلیلی که داشت، بسیار مورد توجه قرار گرفت.

این ادعا شاخ و برگ‌های زیادی پیدا کرد. روایتی منتشر شد که از بازداشت سکنه قلبی سردار قآنی در جریان بازجویی خبر می‌داد. روایت دیگر این بود که قآنی و مسئول دفترش با اتهام جاسوسی بازداشت شدند و تحت بازجویی هستند. روایت‌های تکمیلی حاکی از آن بود که سردار قآنی جلسه بمباران شده در تاریخ ۶ مهر را زود ترک کرده یا اصلاً به رغم اینکه قرار بر حضورش بوده، به این جلسه نرفته‌است.

شایعه بازداشت و بازجویی زمانی حالت جدی‌تر به خود گرفت که ۱۹ مهر رسانه قطری میدل ایستای ونه رسانه‌های عبری یا فارسی زبان خارج از کشور، به نقل از منابع آگاه ادعایی خبر داد که سردار قآنی زنده است اما تحت بازجویی قرار دارد.

▼ جراحات یا شهادت

در جریان حمله‌های زنجیروار اسرائیل به فرماندهان جبهه مقاومت و بمباران‌های لبنان، ۱۲ مهر نیز حمله بزرگی به ضاحیه جنوبی بیروت صورت گرفت. در همان زمان رسانه‌های عبری و خبرنگاران میدانی این مسئله را مطرح

▼ یوآو گالانت وزیر جنگ اسرائیل:

دنبال جبهه جنگ جدید نیستیم

ساکنان شمال ایجاد می‌شود و این نیاز به زمان بیشتری دارد. وزیر جنگ رژیم صهیونیستی تاکید کرد: ما به دنبال گشودن جبهه بیشتر و جنگ دیگر نیستیم. وی با بیان اینکه عملیات رژیم صهیونیستی در ایران ممکن است بر مکان‌های دیگر تاثیر بگذارد، مدعی شد: ایران مستقیماً از خاک خود به ما حمله کرد چرا که ما دو بازوی آن یعنی حماس و حزب‌الله را قطع کردیم.



گروه خبر: وزیر جنگ رژیم اسرائیل گفت: ما به دنبال گشودن جبهه بیشتر و جنگ دیگر نیستیم. به گزارش ایسنا، «یوآو گالانت» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی روز سه‌شنبه مدعی شد تل‌آویو از «هرگونه تلاشی برای خدشه به حاکمیت و شهروندان» صهیونیست نخواهد گذشت. گالانت گفت: امروز ما در چارچوب واقعیتی قرار داریم که در آن، شرایط جدیدی برای اسکان مجدد

▼ ادعای بازداشت فرمانده

در جریان تحولات سریع لبنان و ترورهای زنجیره‌ای و متصل به یکدیگر، روبرتس به نقل از دو مقام ایرانی ادعا کرده بود که قآنی پس از ترور سیدحسن نصرالله به

سرخنگوی دولت در پاسخ به هم‌میهن:

استانداران را با عملکردشان قضاوت کنید

منطقه‌های سیدعباس عراقچی و حضور محمداقرفاللیباف رئیس مجلس در بیروت، از این اقدامات در شرایط فعلی منطقه تقدیر و تشکر کرد.

▼ بررسی بودجه ۱۴۰۴ در دولت

مهاجرانی در ادامه تشریح اقدامات، بررسی بودجه سال آینده را اصلی‌ترین کار دولت اعلام کرد و اظهار داشت: «دولت با جلسات فشرده صبح و بعدازظهر، بررسی کلیات لایحه بودجه و احکام مربوط به بخش‌های مختلف را در دستور کار خود قرار داده است. امیدواریم دولت طبق برنامه‌ریزی بتواند در موعد مقرر لایحه بودجه ۱۴۰۴ را تقدیم مجلس کند. به هر حال رویکردهای اقتصادی دولت در لایحه بودجه متجلی خواهد بود و امیدواریم لایحه بودجه با همکاری مجلس با کمترین تغییرات به تصویب مجلس برسد و دولت با یک برنامه منضبط بتواند سال آینده کشور را اداره کند.»

▼ با تکه‌ای از یک فیلم نمی‌شود قضاوت کرد

خبرنگار هم‌میهن در نوبت پرسش خود، این مسئله را مطرح کرد که «طی روزهای گذشته، در جریان حامی دولت، واکنش‌های منفی نسبت به انتصاب دو استاندار یزد و فارس به وجود آمد. منتقدان می‌گویند که [محمدرضا بابایی در] یک چهره ضداصلاحات به عنوان استاندار یزد و یک چهره قضایی [حسینعلی امیری] به عنوان استاندار فارس انتخاب شدند. آیا روند انتخاب استانداران به همین صورت ادامه پیدا خواهد کرد؟» مهاجرانی در پاسخ به این سوال انتقادی، اظهار داشت: «طبیعتاً استاندار به عنوان بزرگترین نماینده دولت در استان، نقش بسیار مهمی را بر عهده دارد. این حق طبیعی همه شهروندان و فعالان است که راجع به این حوزه نگرانی داشته باشند. این نگرانی بسیار محترم و باارزش است. باید این نکته را عرض کنم که طبق همان روالی که برای تعیین وزرا کارگروه‌هایی متشکل از فعالان سیاسی، اجتماعی و اعضای بخش خصوصی تشکیل شد، الان هم چنین سازوکاری تشکیل شده و در حال کار هست. فعالین اصلاح‌طلب و غیراصلاح‌طلب،



۵- ارتقای صنعت هسته‌ای هم‌پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است و بعید است که در کوتاه‌مدت بازدارنده باشد.

▼ ویژگی شرایط فعلی

امروز کشور در شرایط پارادوکسیکال (شریطی که نه می‌تواند به عقب برود و نه می‌تواند به جلو برود) قرار دارد. زیرا اگر قرار باشد آفندی و فعال پاسخ اسرائیل -آمریکا را بدهد، وارد موازنه نابرابر می‌شود و حتی ممکن است توان موشکی اش هم ضعیف شود و مردم بیشتر ناراضی می‌شوند و نیروی امنیتی در داخل کشور ضعیف‌تر می‌شود و اگر قرار باشد منفعل شود و بترسد، نتایج‌های اسرائیل متوقف‌نمی‌شود.

▼ چه باید کرد؟

مدیریت کشور در ادامه دو روبرویی با اسرائیل مثل یک سال گذشته نباید امکانات خود را (مثل حزب‌الله را) بی‌دریغ به کار برود و خیلی باید احتیاط داشته باشد. مهمترین علت تداوم جنبش مقاومت فلسطین و جنبش مقاومت شیعیان لبنان و محور مقاومت، مسئله «اشغال» است و تا «اشغال» هست، مقاومت در منطقه هست (علت مقاومت در منطقه اشغال اشغالگر است نه اراده جمهوری اسلامی). حل مشکل «اشغال»، اولاً، با شعار نابودی اسرائیل ممکن نیست و تداوم این شعار به نفع راست‌های افراطی اسرائیل است. ثانیاً، راه حل «اشغال» طرح‌های «یک‌دولتی» یا «دودولتی» است. ثالثاً، اسرائیل در برابر راه‌حل حتی «دودولتی» یا تکیه بر قدرت نظامی خود و آمریکا دارد مقاومت می‌کند. رابعاً، شکست قدرت اسرائیل -آمریکا (با توجه به منطق موازنه قوا) فقط کار شبکه مقاومت و جمهوری اسلامی

ایران نیست، بلکه فرایندی است که به همکاری کشورهای عربی -اسلامی و جامعه جهانی نیاز دارد. (متأسفانه در سال گذشته حماس، حزب‌الله و ایران «یک‌تنه» بار مقابل با جنایات اسرائیل را به دوش کشیدند، در ادامه، کشیدن این بار باید «چندتنه» باشد). در حالی که پس از هفت اکتبر و در یک سال گذشته بیشتر شبکه مقاومت و ایران با ماشین جنگی اسرائیل -آمریکا روبرو شد و در این نبرد نابرابر حزب‌الله به عنوان ستون پایه شبکه مقاومت ضربه سخت خورد. در ادامه و در سال جاری نباید این مسیر به ضرر حزب‌الله ادامه پیدا کند. ادامه مسیر یک سال پیش در یک سال آینده ممکن است به یکی دیگر از ستون‌های دفاعی کشور (یعنی قدرت موشکی و پهبادی) ضربه بزند. چه به نام و چه به ننگ، ایران در ادامه مسیر به جای تکیه اصلی بر قدرت موشکی -پهبادی و به کار بردن بی‌دریغ آن باید بی‌وقفه بر دو ستون پایه دیگر قدرت خود تکیه کند. یکی، ستون پایه کسب رضایت مردمی و دومی، احیای دیپلماسی است. اولین آن بازسازی قدرت

▼ نتیجه‌گیری

در یک سال آینده در به کارگیری توان نظامی دست‌باز عمل نکنیم و به جای آن دو ستون پایه قدرت نرم (کاهش فاصله مردم و دولت) و دیپلماسی را فعال کنیم. دیپلمات‌های ورزیده ما مثل جواد ظریف دائم باید با اختیارات کامل در سفر باشند و کلیشه‌هایی را که علیه ایران شکل گرفته، خنثی کنند. در مورد کاهش شکاف مردم و دولت در جریان انتخابات پیشنهادهای متنوع و موثری ارائه شد. که اینجا تکرار نمی‌کنم. متأسفانه در شرایط فعلی در جنگ تبلیغاتی نتایج‌های علیه ایران، در داخل خالص گریبان متصل به رسانه‌های حکومتی در حال تخریب سیاست «نه تعلق و نه شتاب‌زدگی» رهبری و حتی فرماندهان نظامی هستند و در خارج جیمی‌ویرتانی طلب و اسرائیلی «الینترنشنال» در حال تخریب است.